

حافظ اندیشه

نظری به اندیشهٔ حافظ

همراه با

انتقادگونه‌ای از تصوف

مصطفی رحیمی

فرهنگ نشر نو

با همکاری نشر آسیم

تهران-۱۳۹۸

فهرست مطالب

- همساز کردن ناهمسازها / ۱
درختی گشن در شوره‌زاری خشک / ۹
جدایی شعر و اندیشه؟ / ۱۷
چند همسازی / ۲۳
همسازی در کلام / ۳۳
بشر چندساحتی / ۴۵
انحراف تصوف / ۴۹
زندگی / ۶۱
بشر یعنی فراتر رفتن از بشر / ۶۹
دو سفر به جهان معانی / ۸۳
سفر حافظ / ۸۹
مقام انسان / ۱۲۱
وام حافظ به اندیشه کهن ایرانی / ۱۲۹
عشق / ۱۳۹
انقلابی در عرفان / ۱۵۳
راهی پر رنج / ۱۵۹
ستیز با خودخواهی / ۱۶۵
مهر طبیعت / ۱۷۳
باده حافظانه / ۱۷۹
حافظ و اپیکور / ۱۹۱
لسان‌الغیب / ۱۹۷
وضع فلک / ۲۰۱
بدی‌های اجتماعی / ۲۰۷
ضد قدرت / ۲۱۱
درباره اشعار مدحیه حافظ / ۲۱۹
مبارزه با ریا / ۲۳۱
مباش در پی آزار / ۲۴۵
وجود دیگری / ۲۴۹
نه عوام‌زدگی / ۲۵۵
جبر و اختیار / ۲۶۱
شاعر انقلابی / ۲۷۱
تلاش آدمی / ۲۷۵
حافظ و عقل / ۲۷۹
بدبینی و خوش‌بینی / ۲۸۵
حافظ و وطن / ۲۹۱
فردیت شاعر / ۲۹۷
نزهتگاه ارواح / ۳۱۱
نکته‌ها / ۳۱۳

همساز کردن ناهمسازها
در داستان رستم و سهراب تأمل می کردم و در این اندیشه بودم که آیا
فردوسی سرانجام شراره شور سهراب را پیروز می خواهد یا خرد
تجربه اندوز رستم را. و ناگهان به این نتیجه رسیدم که فردوسی هر دو را
می خواهد، و چنین است که جنگ آنان را فاجعه می داند.
کشف این معنی بر اندیشه هایی که از دیرباز درباره حافظ داشتم
نور تازه ای تاباند: همساز کردن ناهمسازها (یا ظاهراً ناهمسازها) که
حافظ کارشناس ماهر آن است.

همساز کردن ناهمسازها

از کلمه رند که پیش از او سراسر بار منفی داشته و بر مردم
«محیل و غدار و حيله باز و منکر و لابلالی و بی قید»^۱ اطلاق می شده،
در ترکیب با عارف، کلمه ای می سازد به معنای کسی که به والاترین
مقام تفکر و رفتار دست یافته است. عشق به خدا را با عشق انسان
به هم می آمیزد. به خرابات معنایی می دهد که هم والاترین مدرسه
عشق است و هم مکان شادی حافظانه. می را، هم در جام الست

از کلمه رند که پیش از او سراسر بار منفی داشته و بر مردم
«محیل و غدار و حيله باز و منکر و لابلالی و بی قید»^۱ اطلاق می شده،
در ترکیب با عارف، کلمه ای می سازد به معنای کسی که به والاترین
مقام تفکر و رفتار دست یافته است. عشق به خدا را با عشق انسان
به هم می آمیزد. به خرابات معنایی می دهد که هم والاترین مدرسه
عشق است و هم مکان شادی حافظانه. می را، هم در جام الست

۱. لغت نامه دهخدا، نقل از آندراج.